

دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

بررسی ساختار روایی اشعار مهدی اخوان ثالث

استاد راهنما :

محمد شادروی منش

دانشجو :

اعظم برامکی

شهریور 88

چکیده

رساله‌ی حاضر در پی آن است تا با بررسی عناصر داستانی همچون زاویه‌ی دید، شخصیت‌پردازی، گفتگو، توصیف، بیان نمایشی، فضاسازی، تعلیق و گره‌گشایی، استفاده مناسب از زمان و مکان، همچنین کاربرد زبان کهن در کنار کلمات زبان محاوره، شگردهای آغاز روایت، اسطوره‌سازی و اسطوره‌پردازی در روایت‌های منظوم اخوان، ساختار روایت‌ها را مورد مطالعه قرار دهد و میزان و نحوه به کارگیری تکنیک‌های داستانی‌نویسی را در شعر او مشخص نماید. همچنین با بررسی رابطه راوی و مخاطب، به نقش و جایگاه مخاطب در شعر اخوان می‌پردازد. و در ادامه‌ی بررسی و تحلیل اشعار روایی شاعر به این نتایج دست می‌یابد: روایت در معنای وسیع‌تر ساحت گسترده‌ای از شعر اخوان را فراگرفته است. او با عناصر داستانی و داستان‌پردازی مدرن آشناست و روایت‌هایش از طرح و فرم داستانی برخوردار است. اما آنچه کار اخوان را تازگی می‌دهد، این است که وی در مواردی خود خالق روایت‌هاست و گاه به دخل و تصرف و نوآوری در روایت‌های کهن می‌پردازد. و مهم‌تر اینکه گاه، داستان‌شعرهایی تدوین می‌کند که از حیث فنون داستان‌نویسی قابل مقایسه با داستان‌های مدرن معاصر است. از سوی دیگر مخاطب در نزد اخوان از جایگاهی والا برخوردار است و مخاطب او در اکثر موارد، فردی هوشیار، آگاه و رمزآشنا است.

واژگان کلیدی: اخوان ثالث، روایت، راوی، مخاطب، منظومه‌های روایی، تکنیک‌های داستان‌نویسی.

تقدیم به همای زندگی،

مادرم

که مهربانی و گذشت را با او تجربه کردم

سپاسگزاری

منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات . پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

قبل از هر چیز از راهنمایی خردمندانه استاد ارجمند جناب آقای دکتر شادروی منش که راهنمایی رساله را برعهده داشتند سپاسگزاری می نمایم و خرسندم از اینکه علاوه بر آموختن نکته های ماندگار از محضر ایشان در مدت شاگردی ، افتخار بهره یابی از نظرات فاضلانه ایشان در طی مراحل انجام پایان نامه نیز نصیب اینجانب شده است. همواره سپاسگزار ایشان و قدرشناس همراهی عالمانه شان خواهم بود . همچنین از راهنمایی های استاد فرزانه ، جناب آقای دکتر پارسانسب که مشاوره رساله را برعهده داشتند و با دقت نظر و اشرافی که نسبت به موضوع رساله داشتند در تدوین رساله مرا یاری نمودند. هر چند افتخار شاگردی در محضرشان را نیافتم اما از طریق مطالعه آثار ارزشمندشان با اندیشه های ژرف ایشان آشنا شدم.

کمال امتنان خویش را تقدیم استادان فرهیخته داور جناب آقای دکتر سارلی و جناب آقای دکتر عبداللهیان می دارم که متذکر نکاتی ارزشمند در جهت تقویت اثر خواهند بود.

همچنین از زحمات پدر و مادر بزرگوام قدردانی می کنم که سالهاست با مهر و عطوفت بی نظیرشان مشوق من در جهت کسب دانش بودند و دعای خیرشان همواره بدرقه راهم بوده است.

برخود فرض می دانم سپاسگزار زحمات تمامی استادان بزرگواری باشم که در طول تحصیل، اندیشه های ارزشمندشان را به جان شنیده ام و همواره سعی در بکار بستن آنها داشته ام. بویژه استاد

اندیشمند جناب آقای دکتر فتوحی که دیدن، اندیشیدن و نوشتن را به من آموختند (هر کجا هست
خدایا به سلامت دارش).

چکیده

رساله‌ی حاضر در پی آن است تا با بررسی عناصر داستانی همچون زاویه‌ی دید، شخصیت‌پردازی، گفتگو، توصیف، بیان‌نمایشی، فضاسازی، تعلیق و گره‌گشایی، استفاده مناسب از زمان و مکان، همچنین کاربرد زبان کهن در کنار کلمات زبان محاوره، شگردهای آغاز روایت، اسطوره‌سازی و اسطوره‌پردازی در روایت‌های منظوم اخوان، ساختار روایت‌ها را مورد مطالعه قرار دهد و میزان و نحوه به کارگیری تکنیک‌های داستانی‌نویسی را در شعر او مشخص نماید. همچنین با بررسی رابطه راوی و مخاطب، به نقش و جایگاه مخاطب در شعر اخوان می‌پردازد. و در ادامه‌ی بررسی و تحلیل اشعار روایی شاعر به این نتایج دست می‌یابد: روایت در معنای وسیع‌ساحت گسترده‌ای از شعر اخوان را فراگرفته است. او با عناصر داستانی و داستان‌پردازی مدرن آشناست و روایت‌هایش از طرح و فرم داستانی برخوردار است. اما آنچه کار اخوان را تازگی می‌دهد، این است که وی در مواردی خود خالق روایت‌هاست و گاه به دخل و تصرف و نوآوری در روایت‌های کهن می‌پردازد. و مهم‌تر اینکه گاه، داستان‌شعرهایی تدوین می‌کند که از حیث فنون داستان‌نویسی قابل مقایسه با داستان‌های مدرن معاصر است. از سوی دیگر مخاطب در نزد اخوان از جایگاهی والا برخوردار است و مخاطب او در اکثر موارد، فردی هوشیار، آگاه و رمزآشنا است.

واژگان کلیدی: روایت، منظومه‌های روایی، اخوان ثالث، راوی، مخاطب، عناصر روایی، تکنیک‌های داستان‌نویسی.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|-----------|-----------------------|
| 8-2..... | مقدمه |
| 2..... | مسئله تحقیق |
| 2..... | پرسش‌های تحقیق |
| 3..... | فرضیه‌ها |
| 4..... | پیشینه‌ی تحقیق |
| 6..... | ضرورت تحقیق |
| 7..... | روش تحقیق |
| 7..... | ساختار تحقیق |
| 43-9..... | فصل اول: کلیات پژوهش |
| 11..... | روایت |
| 12..... | تعاریف و مفاهیم |
| 13..... | ویژگی‌های روایت |
| 14..... | نظریه‌های مهم روایت |
| 15..... | نظریه‌ی ولادیمیر پراپ |
| 16..... | نظریه‌ی ژولین گرماس |
| 17..... | نظریه‌ی رولان بارت |

| | |
|---------|--------------------------------------------|
| 18..... | نظریه‌ی تزوتان تودورف |
| 19..... | نظریه‌ی کلود برمون |
| 20..... | نظریه‌ی ژرار ژنت |
| 21..... | روایت در کلام منظوم..... |
| 21..... | شعر روایی |
| 22..... | منظومه |
| 23..... | شعر نمایشی |
| 23..... | نقال..... |
| 25..... | عناصر روایت..... |
| 25..... | زاویه دید |
| 26..... | زاویه دید درونی |
| 26..... | زاویه دید بیرونی |
| 27..... | شخصیت پردازی..... |
| 28..... | اهمیت شخصیت پردازی در ادبیات داستانی |
| 29..... | انواع شخصیت..... |
| 29..... | شخصیت ساده یا مسطح |
| 30..... | شخصیت جامع یا کروی |
| 31..... | شخصیت ایستا و پویا |
| 32..... | شخصیت اصلی |

| | |
|-------------------|----------------------------------------------|
| 32..... | شخصیت فرعی |
| 32..... | شخصیت پس زمینه..... |
| 33..... | شیوه‌های شخصیت‌پردازی..... |
| 34..... | شخصیت پردازی مستقیم..... |
| 34..... | شخصیت پردازی غیر مستقیم..... |
| 35..... | نام شخصیت..... |
| 36..... | قیافه و ظاهر شخصیت..... |
| 37..... | رفتار و کردار شخصیت..... |
| 38 | گفتگو..... |
| 40 | محیط..... |
| 40..... | توصیف..... |
| 42..... | تعليق..... |
| 42..... | نقطه اوج..... |
| 43..... | گره گشایی..... |
| 43..... | فضا..... |
| 82-44..... | فصل دوم: روایت در شعر اخوان ثالث..... |
| 46..... | اخوان به روایت کلامش..... |
| 53..... | دوره‌های شعری اخوان..... |

| | |
|--------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| 54..... | روایت در شعراخوان..... |
| 57..... | دلایل استفاده از روایت..... |
| 58..... | شیوه‌های آغاز روایت..... |
| 60..... | زبان شعری اخوان؛ (هم نشینی زبان محاوره در کنار کلمات فاخر گذشته)..... |
| 64..... | موتیف‌های شعری اخوان..... |
| 65..... | استفاده از سمبل و نماد در روایت‌های اخوان..... |
| 69..... | اسطوره‌پردازی و اسطوره‌سازی در روایت‌های اخوان..... |
| 76..... | درونمایه‌ی روایت‌های اخوان..... |
| 76..... | درونمایه‌ی اجتماعی..... |
| 80..... | اندیشه‌ی شکست..... |
| 82..... | نفی حرکت..... |
| 157-83..... | فصل سوم : عناصر روایی در شعراخوان ثالث..... |
| 85..... | زاویه‌ی دید در روایت‌های اخوان..... |
| 89..... | شخصیت پردازی در روایت‌های اخوان..... |
| 90..... | کتیبه..... |
| 93..... | قصه شهر سنگستان..... |
| 94..... | آنگاه پس از تندر..... |
| 96..... | مرد و مرکب..... |

| | |
|-----------|--------------------------------------|
| 99..... | بی سنگر..... |
| 103..... | زندگی می گوید اما باز باید زیست..... |
| 105 | شاتقی..... |
| 107..... | میرفخرا..... |
| 108..... | گرگلی |
| 110..... | سیاسرمست..... |
| 111..... | عمو زینل..... |
| 111..... | عمو عینل..... |
| 111..... | شیرزاد پيله ور..... |
| 111..... | شاغلام..... |
| 112..... | دزداقا..... |
| 112..... | جوان کرد |
| 113..... | گفتگو در روایت‌های اخوان..... |
| 113..... | آواز کرک..... |
| 114..... | گفتگو..... |
| 115..... | ندانستن |
| 115..... | کتیبه..... |
| 117..... | قصه شهر سنگستان |
| 119..... | مرد و مرکب |
| 120..... | گرگ‌ها و سگ‌ها..... |

| | |
|----------|--------------------------------------|
| 122..... | توصیف در روایت‌های اخوان..... |
| 125..... | کتیبه..... |
| 127..... | مرد و مرکب..... |
| 128..... | قصه شهر سنگستان..... |
| 130..... | زندگی می گوید اما باز باید زیست..... |
| 134..... | فضا سازی در روایت‌های اخوان..... |
| 136..... | کتیبه..... |
| 138..... | آنگاه پس از تندر..... |
| 140..... | خوان هشتم..... |
| 142..... | ناگه غروب کدامین ستاره..... |
| 143..... | قصه‌ی شهر سنگستان..... |
| 144..... | مرد و مرکب..... |
| 146..... | شکار..... |
| 148..... | زمستان..... |
| 149..... | سترون..... |
| 151..... | چاووشی..... |
| 152..... | برف..... |
| 153..... | آخر شاهنامه..... |
| 154..... | میراث..... |
| 156..... | طلوع..... |

| | |
|--------------|----------------------------------------------------|
| 185-158..... | فصل چهارم: رابطه‌ی راوی و مخاطب در اشعار اخوان |
| 160..... | رابطه راوی و مخاطب |
| 163..... | انواع مخاطب |
| 164..... | مخاطب مفروض |
| 165..... | متون خواندنی - متون نوشتنی |
| 166..... | منطق مکالمه |
| 168..... | افق انتظار |
| 169..... | اهمیت مخاطب در شعر اخوان |
| 170..... | چهره های راوی در شعر اخوان |
| 175..... | برخورد با مخاطب |
| 178..... | خطاب به شخصیت قصه |
| 179..... | خطاب به خداوند |
| 181..... | خطاب به مزدشت |
| 181..... | پاسخ به سوال مقدر مخاطب |
| 182..... | ارتباط با مخاطب از طریق شگردهای کلامی / ظرایف شعری |
| 83..... | مکالمه در شعر اخوان |
| 186..... | فصل پنجم : خلاصه پژوهش و نتیجه گیری |
| 198-192..... | فهرست منابع و مآخذ |

مسئله تحقیق

حالت روایی و گرایش به داستان‌گویی منظوم چنان مورد توجه اخوان قرار گرفته است که سبب شده آثار وی در اصل و گوهر خود شکل روایی و داستانی به خود بگیرد، به گونه‌ای که اخوان از آغاز چه در آثار بلند و چه در کارهای کوتاهش، بیشتر راوی و قصه گو و نقال می‌شود تا شاعر. اخوان در ساخت و پردازش و نیز توصیف فضای نقلی و روایی استاد است. هر چند گاهی ایجاد این فضا به تفصیل و اطناب می‌گراید ولی اطنابی است آگاهانه که سبب زیبایی کلام می‌شود. اخوان به دنبال عینیت بخشیدن به کلام است، در نتیجه آن چنان سخن را برجسته می‌سازد و زیبا توصیف می‌کند که مخاطب گویی صحنه‌ی مورد توصیف و روایت شاعر را به صورت نمایشی بر پرده می‌بیند. از آنجا که شاعر خود در بطن روایت حضور دارد و تمامی حوادث را دیده و دریافته و به زیبایی بیان کرده است، مخاطب نیز خود را کاملاً در فضای مورد نظر شاعر احساس می‌کند. چرا که شاعر خود با شخصیت‌های روایتش زندگی کرده و در نهایت نیز توانسته به بهترین حالت ممکن آنها و اعمال و رفتارشان را با کلمات به تصویر بکشد. در بعضی از شعرهای اخوان بسیاری از تمهیدات و عناصر داستان کوتاه مدرن به کار گرفته شده، اما شعر همچنان شعر باقی مانده است.

پرسش‌هایی که پژوهش حاضر قصد دارد به آنها پاسخ گوید:

- 1- روایت در اشعار اخوان ثالث چه جایگاهی دارد؟
- 2- فن شاعری اخوان در روایت‌هایش مبتنی بر اطناب است یا ایجاز؟
- 3- مخاطب در شعر اخوان چه جایگاهی دارد؟
- 4- رابطه‌ی بینامتنی روایت‌های اخوان با متون دیگر چگونه است؟
- 5- استفاده از عناصر داستانی در اشعار اخوان به چه صورت است؟

فرضیه‌ها

✓ تمایل اخوان به داستان نویسی چندان بوده است که خودآگاه یا ناخودآگاه به سمت روایت متمایل می‌شود، همان تمایلی که باعث شده داستان‌هایی چون "مرد جن زده"، "درخت پیروجنگل" را به نثر بنویسد و یا اثری چون منظومه "شکار" را که بیشتر یک حکایت منظوم است تا شعر به معنای واقعی کلمه، بسراید.

✓ روایتگری شعر او را به سوی توصیف سوق می‌دهد، و همین توصیفات باعث شده است که برخی منتقدان شعر او را دارای اطناب بدانند. از آنجاکه فضا سازی و نوعی تمهید و زمینه - سازی برای بیان وقایع و حوادث مختلف در شعر روایی، از نیازهای ضروری این نوع شعرهاست، توضیح و تفسیر مسائل مختلف در طول شعر و نوعی اطناب - اطنابی که آگاهانه بوجود آمده و عاملی بلاغی در شعر اخوان به شمار می‌آید - از مشخصات شعر اوست. با این حال می‌توان شعر او را دارای نوعی ایجاز، به معنی کوششی هدفمند جهت پیراستن شعر از کلمات تکراری و اضافی دانست.

✓ گفتگوی میان متن و مخاطب گفتگویی نامتناهی است و مخاطب اولین کسی است که نویسنده بخاطرش به خلق اثر می‌پردازد. مخاطب در شعر اخوان و در نزد او جایگاهی والا دارد. با توجه به روزگار اخوان که دوران خفقان و اختناق شدید سیاسی است، اخوان بسیاری از مسائل روزگار خود را در قالب رمز و نماد بیان می‌کند. بنابراین مخاطب مفروضی را که نویسنده در نظر دارد از درک و شعور بالایی برخوردار است.

✓ از خصوصیات ارزنده شعر اخوان حضور معاصران و حال و هوای زمانه، اسامی اشخاص، مکان‌ها، آداب و رسوم زمانه، سمبل، نماد، ضرب المثل، اسطوره و بن مایه‌های اساطیری مشترک بین ملل مختلف و... در شعر اوست که همه و همه نشان دهنده حضور فرهنگی است با قدمت بسیار بر جای مانده از گذر اعصار و قرون در شعر او و درک و دانستن شعرش جز در پرتو آشنایی با این فرهنگ غنی با تمدنی کهن، امکان پذیر نیست و اینجاست که باید گفت شعر اخوان را باید همخوان با فرهنگ همگانی و موجود خواند.

✓ اخوان در اشعار روایی خود از بسیاری از فنون داستان نویسی استفاده کرده است. عناصری چون؛ شخصیت پردازی، گفتگو، فضا سازی، تعلیق و گره گشایی، طرح، زمان و مکان، جریان سیال ذهن و دیگر عناصر داستانی و همه اینها را از زاویه‌ی دید دلخواه خود ارائه می‌کند. وجود شخصیت‌های زنده و پرتحرک و استفاده از شیوه‌های جدید شخصیت پردازی، گفتگوهای طبیعی، توصیف‌های زنده و جاندار، فضا سازی‌های بدیع، شعرهای روایی او را به مرز جاودانگی رسانده است.

اشعاری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است تمام شعرهای نیمایی اخوان ثالث است اما از آن میان اشعاری هستند که بیش از دیگر اشعار روایی وی ظرفیت بررسی از دیدگاه عناصر داستانی و رابطه راوی و مخاطب را دارا هستند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:

کتیبه / آنگاه پس از تندر / خوان هشتم و آدمک / ناگه غروب کدامین ستاره / قصه
شهر سنگستان / مرد و مرکب / شکار / زمستان / سترون / چاووشی / برف / آخر شاهنامه
/ میراث / طلوع / مجموعه زندگی می گوید، اما باز باید زیست / گرگ‌ها و سگ‌ها / آواز کرک
/ گفتگو / ندانستن / بی سنگر / خطاب / گزارش / در این همسایه / دلی غمناک / قصه‌ای از شب /

پیشینه تحقیق

هر چند حرف و حدیث درباره اخوان و اسلوب شاعری او زیاد است و نویسندگان بسیاری مقالات و کتاب‌های بسیاری را به این امر اختصاص داده اند اما هنوز پژوهشی که به صورت مستقل و جدی درباره "روایتگری در شعر اخوان ثالث" صورت گرفته باشد، انجام نگرفته است. کارهایی که در این زمینه به صورت مقاله، پایان نامه و کتاب انجام گرفته، عبارتند از، رساله "روایت و روایت‌گری در شعر فارسی از آغاز تا امروز" نوشته خانم حمیرا سلیمانی تپه سری از دانشگاه مازندران. خانم سلیمانی در این پژوهش بخشی را به اشعار روایی اخوان ثالث اختصاص دادند و اشعار روایی ایشان را از حیث کاربرد روایت مورد بررسی قرار دادند. خانم سلیمانی تپه سری در بخش دوم از فصل چهارم رساله خود شعرهای "کتیبه"، "قصه شهر سنگستان"، "آنگاه پس از تندر"، "خوان هشتم" و

"مرد و مرکب" را از نظر فضا سازی، توصیف، درونمایه و لحن مورد مطالعه قرار داده اند. که با توجه به اینکه در رساله ایشان هم تعداد شعرهایی که مورد بررسی قرار گرفته است اندک است و هم به صورت مفصل به این مباحث پرداخته نشده، و همچنین بحث رابطه راوی با مخاطب مورد بررسی قرار نگرفته است، ضرورت تحقیق حاضر بیشتر احساس می شود.

مقاله‌ی "آمیزش شعر و داستان در آثار اخوان" نوشته‌ی سید مهدی زرقانی. آقای زرقانی اشعار داستانی اخوان را به دو دسته‌ی "داستان" و "شبه داستان" تقسیم می کند و شبه داستانها را شامل قصه ها و مواردی می داند که از فنون داستان نویسی بهره برده، اما نه چندان که بتوان آن را داستان نامید. داستانها را شامل "کتیبه"، "آنگاه پس از تندر"، "مرد و مرکب" و "منظومه شکار" می داند. همچنین "قصه شهر سنگستان"، "برف"، "غزل 7"، "خوان هشتم"، و "گرگها و سگها" را در دسته شبه داستانها قرار می دهد.

مقاله‌ی "شاعر فلاش بک ها: تاثیرات متقابل سینما و ادبیات معاصر" نوشته محمد هاشمی. آقای هاشمی در این مقاله بر این عقیده است که با دو رویکرد می توان از چشم انداز سینما به آثار اخوان نگریست. رویکرد اول که در دوران ابتدایی تر شعر می توان شاهد آن بود استفاده از منطق داستان گویی کلاسیک و عناصر متشکله آن چون شخصیت پردازی و کشمکش دراماتیک است و رویکرد دوم که عمدتاً به واسطه آن به عنوان "امید استاد" خود را می شناساند استفاده از عناصر انتزاعی چون توجه به وجوه استعاره است.

هاشمی این دو رویکرد را در مواجهه با شعر، همچون نگاهی می داند که به ترتیب فیلمسازان هالیوودی و اروپایی به مقوله سینما داشته اند یا با اندکی تفاوت می توان در سینمای ابراهیم حاتمی کیا یافت. هاشمی شگرد آغاز شدن روایت از میانه داستان و اینکه در اواسط روایت به ابتدای داستان باز می گردد را در اشعار اخوان همچون تکنیک "فلاش بک" در سینما می داند که با یک قطع، گذشته ای دور در ابتدا را به زمان حال در اواسط روایت، پیوند می زند. همچون در شعرهای "آنگاه پس از تندر" و "قصه شهر سنگستان". مثلاً در شعر "آنگاه پس از تندر" آنجا که برای بیان

علت اینکه چرا شاعر به دیدن چنین خواب‌های وحشتناکی محکوم شده است ما را به سال‌های پیش باز می‌گرداند و اینکه شبی یا روزی در خانه همسایه‌های روشنایی‌هایی دیده است و... و این را "فلاش بک سینمایی" می‌داند و معتقد است که داستان "آنگاه پس از تندر به وضوح قابلیت آن را دارد که با استفاده از عناصر فرمالیستی تبدیل به فیلم شود. دنیایی که شاعر در این شعر خلق می‌کند یک دنیای چند بعدی و ابهام‌برانگیز است که در داستان یک فیلمساز چیره دست می‌تواند تبدیل به فیلمی ماندگار شود تا بدینوسیله و توسط رسانه‌ای پیشرفته و با همراهی و همفکری فیلمساز و شاعر، راحت‌تر بتوان به کنه آنچه شاعر در ذهن می‌پروراند است دست یازید.

همچنین رضا براهنی در کتاب "طلا در مس" چند مقاله را به شعر و شاعری اخوان اختصاص داده است. از جمله مقاله‌ای با عنوان "اخوان شاعر بزرگ سرزنش جهان" که در کنار ویژگی‌های زبانی شعر اخوان، استفاده از زبان گفت و گوی امروز، شکل نمایشی برخی از شعرهای اخوان، تناوب توصیف و گفتگو را از ویژگی‌های شعری اخوان می‌داند. همچنین معتقد است بعضی از شعرهای وی بدون یک پیش ساختار قصه‌ای و بدون یک کالبد داستانی وجود خارجی ندارند. و در واقع روایت است که در این شعرها تعیین تکلیف می‌کند و انگار اساس آفرینش این شعرها بر تعمد گذاشته شده است. براهنی در همین کتاب در مقاله‌ی دیگری با عنوان "پاره‌ای ملاحظات پیرامون شعر اخوان" درباره کاربرد وزنهای عروضی در شعر اخوان و تاثیر روایی بودن اشعارش بر کاربرد این اوزان، بیان می‌دارد که کیفیت روایتی اشعار اخوان او را مجبور کرده تمایل بیشتری به وزن‌های ساده از قبیل فاعلاتن، مفاعیلن و... داشته باشد. وزن‌هایی که برای ارائه حالات قابل انعطاف روایت و ارائه گفتگو کاملاً مناسب هستند.

ضرورت تحقیق

از آنجا که بخش گسترده‌ای از ادبیات فارسی، مخصوصاً ادبیات معاصر را مجموعه‌های روایی تشکیل می‌دهند آشنایی و شناخت ساختار این گونه روایت‌ها ما را در شناخت بهتر و درک و فهم آنها و